

بررسی تطبیقی سیاست جنایی ایران و انگلیس در قبال جرایم علیه تمامیت معنوی در فضای مجازی

سحر فاطمی^۱ / افشین موسوی تومتری^{۲*} / عسل عظیمیان^۳ / مهسا شیروی^۴

۱: گروه حقوق، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.

۲: استادیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد صفادشت، دانشگاه آزاد اسلامی، صفادشت، ایران (نویسنده مسئول)

Afshinmousavi54@gmail.com

۳: استادیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

۴: استادیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران.

چکیده

خلق فضای مجازی در سایه پیشرفت های فناورانه، فرصت جدیدی را برای سوء استفاده از بستر فضای مجازی را فراهم کرده است به طوری که جرائم علیه شخصیت معنوی و حیثیت روانی از جمله جرائمی است که امروزه در فضای مجازی رشد چشمگیری داشته و با توجه به پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات در دهه های اخیر فضای مجازی نقش به سزایی را در ارتکاب این جرایم ایفا می کند. ماهیت این دسته از جرائم و گونه شناسی آن سوال مهمی است که العاد اصلی این موضوع را مورد هدف قرار داده است. این تحقیق که به روش توصیفی تحلیلی انجام یافته است سیاست جنایی ایران را به روش مقایسه ای با حقوق انگلستان مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه دست یافته است که اصل جبران ضرر معنوی در نظام سیاست جنایی هر دو کشور پذیرفته شده است به طوری که در حقوق ایران، قانونگذار انواع روش های جبران، اعم از مالی و غیر مالی را جهت جبران ضرر معنوی پیش بینی نموده است و برای افراد مرتکب جرایم توهین، افترا و نشر اکاذیب، مجازات های حبس، شلاق، جزای نقدی در نظر گرفته شده است. همچنین در جهت تشدید مجازات، قانونگذار اعمال دو مجازات همزمان را برای مرتکب در نظر گرفته است. در کشور انگلستان، از آنجایی که این جرم به عنوان یک جرم شناخته شده بیشتر تحت عنوان خطای مدنی قابل پیگیری است. در واقع در حقوق انگلستان شخص حقوقی آسیب دیده با دریافت مبلغی به عنوان جبران خسارت به واسطه ورود خسارت معنوی، تسکین می یابد.

کلیدواژه ها: سیاست جنایی ایران، جرائم علیه تمامیت معنوی، افترا، نشر اکاذیب، توهین

A comparative study of the criminal policy of Iran and the United Kingdom regarding crimes against spiritual integrity in cyberspace

Abstract

The creation of virtual space in the shadow of technological advances has provided a complex opportunity for abusing the platform of virtual space, so that crimes against spiritual personality and psychological dignity are among the crimes that have grown significantly in cyberspace today, and considering The progress of information and communication technology in recent decades, cyberspace plays a significant role in committing these crimes. The nature of this group of reasons and its typology is an important question that is the main focus of this issue. This research, which has been carried out in a descriptive and analytical method, has examined Iran's criminal policy in a comparative way with English law and has reached the conclusion that the principle of compensation for moral damage has been accepted in the criminal policy system of both countries, so that In Iranian law, the legislator has provided various types of compensation methods, both financial and non-financial, in order to compensate for spiritual loss, and for people who commit crimes of insult, defamation and publication of lies, punishments of imprisonment, whipping, and fines have been considered. . Also, in order to intensify the punishment, the legislator has considered applying two simultaneous punishments for the perpetrator. In England, since this crime is known as a quasi-crime, it can be pursued under the title of civil wrong. In fact, in English law, the injured legal entity is relieved by receiving an amount as compensation due to moral damage.

Keywords: Iran's criminal policy, crimes against spiritual integrity, defamation, publication of lies, insult

مقدمه و طرح مساله

از منظر تاریخی پاسداری و صیانت از عزت و شرف و در مجموع ارزش های معنوی بشر از اعصار قدیم مورد توجه قواعد و هنجارهای موضوعه قرار گرفته لذا هر گونه تعرض و تجاوز به حیثیت، شرف و عزت انسانی مانند اهانت، فحاشی، قذف، افترا یا تهمت به غیر، جرم توصیف و مجازات آن معین گردیده است. به باور برخی پژوهشگران جرایم علیه تمامیت معنوی اول بار در حقوق روم باستان مورد توجه قرار گرفته و بعنوان عمل مجرمانه ای توصیف شد که اهانت و رفتارهای توهین آمیز به شاه مستوجب مجازات بود، اما به باور برخی دیگر این قانون نامه حمورابی بود که به طبقه بندی جرایم علیه تمامیت معنوی تحت عناوین افترا و بهتان پرداخته و عاملان را مستوجب مجازات دانسته است. (جوانمرد، ۱۴۰۲)

یکی از جرایمی که امروزه در فضای مجازی نرخ ارتکاب چشم گیری دارد، جرایم علیه شخصیت معنوی و حیثیت روانی است. به دیگر سخن، رشد فن آوری اطلاعات و ارتباطات در کنار فواید و پیامدهای مثبتی که دارد فرصتی را برای ناقضان قوانین ایجاد کرده که منویات مجرمانه خود را از گذر فضای مجازی انجام دهند که یکی از این گونه رفتارها جرایم علیه تمامیت و حیثیت معنوی است. لذا سخن لغوی نیست اگر گفته شود نرخ ارتکاب این جرایم امروزه در فضای مجازی کمتر از مشابه همین جرم در فضای واقعی نیست.

در این راستا با توجه به پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات در دهه های اخیر فضای مجازی نقش به سزایی را در ارتکاب این جرایم ایفا می کند، به طوری که شاهد رشد روزافزون این جرایم در فضای مجازی هستیم. بنابراین حقوق کیفری باید پیشرفت های فن آورانه را که فرصت های بسیار پیچیده ای برای سوء استفاده از بستر فضای سایبری را فراهم می کند در نظر داشته باشد؛ زیرا با خلق فضای مجازی موانع بسیاری از بین رفته و ارتکاب جرایم تسهیل گردیده است. از اینرو فضای مجازی، بویژه اینترنت به عنوان جلوه بارز جامعه اطلاعاتی، در کنار شرایط ایده آلی که برای تبادل اطلاعات و انجام امور تجاری، اقتصادی و آموزشی فراهم آورده، دارای ویژگی های محیطی منحصر به فردیست که سوء استفاده های فعالان این عرصه را نیز به همراه داشته است (بیگدلی آذری و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۳)

منظور از جرایم علیه شخصیت، تمامیت و حیثیت معنوی اشخاص، عبارت از رفتارهایی است که شخصیت، حیثیت، آبرو و شرافت و ناموری افراد را مورد خدشه و آسیب قرار می دهد. برخی از این جرایم فقط در دنیای مادی و فیزیکی قابلیت تحقق دارند و برخی فقط در فضای مجازی و برخی نیز، هم قابلیت ارتکاب در دنیای واقعی را داشته و هم در فضای مجازی قابلیت ارتکاب دارند.

به طور کلی مصادیق جرایم علیه تمامیت معنوی اشخاص در فضای مجازی عبارتند از: هتک حرمت (شامل افترا، توهین و قذف و هجو)؛ اهانت به مقدسات مذهبی تولید یا انتشار محتویات نفرت انگیز یا نژاد پرستانه تهدید یا اذیت و آزار دیگری از قبیل مزاحمت تلفنی انتشار تصاویر خصوصی، دیگران دسترسی غیر مجاز شوند غیر مجاز، نشر اکاذیب (پور قهرمانی و قانعی، ۱۳۹۳، ۱۱۶۲-۱۱۶۱).

نظام های کیفری مختلف (در این تحقیق ایران و انگلستان) همواره تلاش می کنند که در کنار ضابطه مند سازی فضای مجازی هنجارهای کیفری نیز وضع نمایند. در ایران نقطه شروع جعل هنجارهای کیفری در فضای مجازی با قوانین خاص آغاز گردید.

قانون مجازات کسانی که در امور سمعی بصری فعالیت غیر مجاز می نمایند مصوب ۱۳۸۶ اولین مقررہ ای است که تهدید در فضای مجازی و هتک حرمت اشخاص از طریق پخش فیلم و عکس مبتذل و مستهجن در فضای مجازی را جرم انگاری نموده است. به دنبال آن در سال ۱۳۸۸ قانون جرایم رایانه‌ای به تصویب رسید که یک فصل آن اختصاص به جرایم علیه تمامیت معنوی دارد. لازم به ذکر است این قانون در حال حاضر فصل آخر کتاب پنجم قانون مجازات موسوم به تعزیرات را تشکیل می‌دهد و دیگر به مقررہ خاص نیست و جزو قوانین عام کیفری ایران محسوب می‌شود، در ایران قانون جرایم رایانه‌ای در خرداد ماه سال ۱۳۸۸ تصویب شد و تمامی جرائمی که در فضای مجازی اتفاق بیفتد توسط دادسرای جرائم رایانه‌ای همراه با پلیس فتا پیگیری می‌شوند. جرائمی مانند: کلاهبرداری اینترنتی، جعل کامپیوتری، تخریب یا هک داده و دسترسی غیرمجاز و انتشار تصویر و فیلم در فضای مجازی، تهدید از طریق شبکه‌های اینترنتی، شرکت‌های هرمی و توهین به مقدسات اسلامی در فضای مجازی. در صورت وقوع هریک از این جرائم شاکیان و افراد متضرر می‌تواند با تنظیم شکوائیه و طرح شکایت در دادسرای جرایم رایانه‌ای همراه با ارائه دلایل و مستندات برای احقاق حق خود اقدام کنند. (حسینی و اعتمادی، ۱۳۹۴).

در انگلستان به عنوان کشوری با نظام حقوقی سکولار و غیر مذهبی با درصد مهاجرپذیری بالا از سراسر دنیا و تنوع فرهنگی و نژادی زیاد یکی از جرایمی که در فضای مجازی نرخ بالایی از ارتکاب دارد مزاحمت سایبری و ترصد است. طبق برآوردهای نهادهای دولتی در انگلستان حدود ۲۰ تا ۴۰ درصد از کاربران اینترنت، بعضی اشکال مزاحمت و ترصد را تجربه می‌کنند.^۱ از جمله قلدری سایبری، ترصد، افشای مشخصات شخصی و خصوصی بزه‌دیده، جعل هویت اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) و نفرت پراکنی با هر انگیزه‌ای. (Keswani, 2017)

هرچند هیچ کدام از این دو رفتار پیش گفته یعنی مزاحمت و ترصد (که به لحاظ حقوقی تفاوت ظریفی دارند) قانونی نیستند و تصمیم گیران سیاست جنایی انگلستان موضع محکمی در قبال این دو رفتار اتخاذ نموده اند.

در نظام حقوقی انگلستان قانون مجازات ماهوی عام شبیه قانون مجازات اسلامی در ایران وجود ندارد و اکثر قریب به اتفاق مصوبات تقنینی کیفری در قالب قوانین خاص می‌باشد. در خصوص جرایم علیه تمامیت و شخصیت معنوی نیز به همین اسلوب عمل شده است. از جمله می‌توان به قانون حمایت در مقابل مزاحمت ۱۹۹۷ همچنین قانون ترصد (تعقیب مصرانه یا مجدانه) مصوب ۲۰۱۹، قانون مبارزه با افترا مصوب ۲۰۱۳ و قانون حمایت از آزادی‌ها مصوب ۲۰۱۲ اشاره نمود. (Hazelwood & Koon-Magnin, 2013)

از منظر قوانین پیش گفته، مزاحمت در فضای، رفتاری ناخواسته و بدون رضایت بزه‌دیده، تهدید آمیز و سلطه‌جو و پرخاشگر که با استفاده از اینترنت و سایر اشکال برقراری ارتباط در فضای مجازی، و قربانی را دچار پریشانی خاطر و آزرده‌گی روانی و احساسی می‌کند؛ درحالی که تعقیب مصرانه (ترصد)، شامل استفاده مکرر و عمدانه از ابزارهای برقراری ارتباط اینترنتی و الکترونیک برای ترساندن، مرعوب کردن یا آزار و اذیت کسی است. براساس اعلام دفتر آمار ملی انگلستان، جرائم مربوط به مزاحمت آنلاین و ترصد در سال ۲۰۱۵، به ۱۱۲۵۶۴ مورد رسیده است (جوانمرد و همکاران، ۱۴۰۲)

^۱- <https://www.west-midlands.police.uk/your-options/cyber-abuse>

۱- پیشنهاد جرایم علیه تمامیت معنوی

در گذشته با توجه به نوع روابط اجتماعی و بسیط بودن مسئولیت، خسارت معنوی و جنبه ها و مصادیق آن کمتر در نظام های حقوقی مورد توجه بوده است. اما رفته رفته این نوع از خسارت با احراز شرایط مربوطه، مورد پذیرش بسیاری از نظام ها قرار گرفته است. همچنین در خصوص تاریخ وقوع جرم رایانه ای در ایران، نمی توان وقوع آن را با سال ۱۳۴۱ که رایانه وارد ایران شد همزمان دانست. کاربرد رایانه در سال های اولیه بسیار محدود بوده و در دهه ۵۰ و ۶۰ کم کم بر تعداد رایانه های موجود در ایران و همچنین وسعت برنامه های رایانه ای افزوده شد به دلیل عدم وجود قانون مدون و آمار دقیق از جرائم و سوء استفاده از رایانه نمی توان تاریخچه ای مشخص بیان نمود. با توجه به گسترش رایانه و تکنولوژی اطلاعات در ایران با گسترش تخلفات مرتبط با کپی و تکثیر غیر مجاز نرم افزارها و برنامه های رایانه ای سرانجام پس از سال ها بحث و بررسی قانون حمایت از پدید آورندگان نرم افزارهای رایانه ای در دی ماه ۱۳۷۹ تصویب شد که آئین نامه اول آن نیز در ۷۰ ماده تهیه و در اواخر سال ۱۳۸۰ جهت بررسی و تصویب به هیات وزیران ارسال شد. و در سال ۱۳۸۱ نیز طرح قانون تجارت الکترونیکی تهیه که نهایتاً متن آن در سال ۱۳۸۲ به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی رسید. از جمله موارد مهمی که می توان به آنها اشاره نمود عبارتند از: جرم انگاری جعل، کلاهبرداری کامپیوتری، حمایت کیفری از حقوق مصرف کننده، حمایت از داده ها و کپی رایت. بنابراین براساس اطلاعات موجود اولین جرم اینترنتی در ایران در تاریخ ۲۶ خرداد ۱۳۷۸ به وقوع پیوست. که در آن یک کارگر چاپخانه و یک دانشجوی کامپیوتر در کرمان اقدام به جعل چک های تضمینی مسافرتی کردند و چون تفاوت و تمایز چندانی بین جرم کامپیوتری و جرم اینترنتی وجود ندارد، عمل آنها به عنوان جرم اینترنتی محسوب می شود (حقیقی، ۱۳۹۵: ۴-۵). بعد از این بود که گروه های هکر جرم های دیگری را مرتکب می شدند، مواردی چون جعل اسکناس، اسناد و بلیط های شرکت های اتوبوسرانی، جعل اسناد دولتی از قبیل گواهینامه، کارت پایان خدمت، مدرک تحصیلی و جعل چک های مسافرتی و عادی بخشی از این جرایم اینترنتی هستند.

۱-۱- در ایران

حقوق ایران همانند سایر کشورها، خسارت معنوی را مورد شناسایی قرار داده است. خسارت معنوی قبل از انقلاب نخستین بار در ماده ۲۱۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ و سپس در ماده ۴ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۲۸ مورد اشاره قرار گرفت. علاوه بر این قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ نیز در ماده یک، خسارت معنوی را شناسایی نمود. پس از انقلاب نیز این نوع از خسارت در اصول بیست و دوم و یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تصریح و پذیرش قرار گرفت. بنابراین چنانچه مثلاً زنی که دچار بیماری پوستی است یا تجویز پزشک دارویی را از فروشنده دارو بخرد و در اثر استفاده آن زیبایی خود را از دست بدهد و چهره او زشت شود می تواند برای مطالبه خسارت معنوی و افسردگی و لطمه روحی ناشی از کریه المنظر شدن علیه که عرضه کنندگان دارو اقامه دعوی نماید. ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸ نیز خسارت معنوی را به رسمیت می شناسد.

خسارت و ضرر وارده به مصرف کننده زیان دیده از ناحیه داروی معیوب ممکن است خسارت جسمانی و بدنی باشد. در خصوص خسارت های بدنی اعم از دیه و هزینه های معالجه پزشکی دامنه بحث گسترده است، مسائلی چون این که آیا دیه

خسارت است یا مجازات و اگر خسارت است شامل کلیه خسارات اعم از مادی و معنوی است و آیا در صورت ثبوت وارد آمدن خسارت بیشتر از مبلغ دیه می توان این خسارات را جبران کرد یا خیر؟ در این باره مطرح شده است. با توجه به پذیرش خسارت معنوی در قانون اساسی، در ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ نیز مورد پذیرش قرار گرفته بود. تبصره اول ماده ۳۰ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ نیز جبران خسارت معنوی را مورد تأیید قرار داده است. ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز به خسارت معنوی اشاره نموده و آن را صریحا مورد پذیرش قرار داده است. "قانون اصلاح قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت های خارجی مصوب ۱۳۷۹" برای رسیدگی به دعاوی مدن علیه دولت های خارجی نیز مستند دیگر بر قابل مطالبه بودن خسارت معنوی در ایران است. در این ماده واحده، قضات داخلی را به برقراری خسارت تنبیهی بر مبنای رفتار متقابل، معادل آنچه در محاکم خارجی است، توصیه می کند و به قضات داخلی اجازه می دهد همان طور که قضات خارجی مسئولان و اتباع ایرانی را به پرداخت خسارت تنبیهی محکوم می کنند بر همان مبنای در پرونده های مشابه در داخل، اتباع و مسئولان خارجی را به پرداخت خسارت تنبیهی محکوم کنند. بر این اساس می توان خسارت تنبیهی و ضرر و زیان معنوی را مورد حکم قرار داد؛ در نتیجه جبران خسارت معنوی با رعایت عناصر و شرایط حاکم، یعنی فعل و رفتار زیان بار و ورود زیان، رابطه علیت و سببیت بین این دو، محل تردید نیست (رشنودی و احمدی، ۱۴۰۲: ۶۵).

۲-۱- در انگلستان

توجه به هتک حیثیت و جبران آن در انگلستان تقریباً به اوایل قرون وسطی بر می گردد که در این زمان، حیثیت و اعتبار اشخاص به وسیله مولفان و حقوقدانان مادی و غیرمادی، بیش از حد مورد حمایت قرار گرفت و در جریان ملی کردن عدالت توسط قضات سلطنتی، حوزه قضایی دادگاه های اربابی و همچنین با فشارهای بیشتر، قلمرو دادگاه های کلیسایی دچار اضمحلال و همگی جذب دیوان های سلطنتی شدند و دادگاه های اخیر، در مورد هتک حیثیت، صلاحیت قضایی یافتند. البته در اواخر قرن شانزدهم، مجموعه ای از شرایط اجتماعی و سیاسی، سبب شدند که قضات دادگاه های سلطنتی تنها به جبران خسارتی محدود بر اساس فرایندی گزینشی در این باره اکتفا نمایند.

در اوایل قرن هفدهم، با ظهور استعدادهای بالقوه مطبوعات چاپی، فوق سلطنت مطلقه و با تأثیرپذیری از حقوق رومی البته بدون در نظر گرفتن محدودیت های آن، مقرر خاصی برای اولین بار در مورد هتک حیثیت مکتوب یا چاپ شده در حقوق کیفری تصویب شد و در نهایت، به عنوان یکی از اصول حقوق مسئولیت مدنی نیز پذیرفته شد. در واقع، دکتترین اولیه حقوق کامن لا بر هتک حیثیت شفاهی یا همان slander، مبتنی بود و دکتترین منبعث از حقوق روم، هتک حیثیت مکتوب یا چاپی libel را شکل داد (Veeder, 1903: 546-547).

به هر حال، امروزه هتک حیثیت، اعم از شفاهی یا کتبی، یکی از اسباب مهم مسئولیت مدنی به شمار رفته و قوانین متعددی نیز در این زمینه به تصویب رسیده است. از جمله این قوانین می توان به قانون هتک حیثیت مصوب ۱۹۵۲، ۱۹۹۶ و قانونی که اخیراً در سال ۲۰۱۳، به تصویب رسیده است اشاره نمود. قانون مصوب ۱۹۵۲ از جمله قوانینی است که توهین از طریق مطبوعات و رسانه های گروهی را مورد توجه قرار داده است (Graham, 1996: 144).

قانون پیش بینی یک آیین رسیدگی سریع در مورد پرونده های افترا به میزان ده هزار پوند به همراه ارزیابی خسارات توسط قضات و بدون حضور هیات منصفه از نقاط قوت قانون هتک حیثیت ۱۹۹۶ محسوب می شود. هدف از پیش بینی این شیوه دادرسی جدید، رد نمودن ادعاها ممکن است در دادگاه بخش مورد رسیدگی قرار گیرند. در موارد تهمت غیر عمدی به کار رفته در روزنامه ها و مطبوعات، دسترسی به دفاع "پیشنهاد اصلاحات"، از دیگر مزایای این قانون، است؛ به این نحو که خواننده باید اصلاحیه و عذرخواهی مناسبی منتشر و خساراتی را که به وسیله قاضی برآورده شده است، جبران نماید. این دفاع، تاحدودی برطرف کننده نواقص دفاع غیر عمدی مندرج در بخش ۴ قانون هتک حرمت ۱۹۵۲، است.

دفاع مشابهی نیز در بخش دوم قانون افترای کتبی مصوب ۱۸۴۳ با عنوان عذرخواهی و پرداخت به دادگاه وجود دارد که البته عدم مزایای عملی آن به ندرت به کار می رود (Harpwood, 2000: 379). این قانون به تصریح بخش ابتدایی آن، در جهت حمایت بیشتر از شخصیت اشخاص و امنیت موثرتر آزادی مطبوعات و همچنین، جلوگیری بهتر از سوءاستفاده در زمینه اعمال آنچه آزادی گفته می شود به تصویب رسیده است. یک ویژگی بارز قانون هتک حیثیت ۲۰۱۳، پرداختن تفصیلی به دفاع هایی است که خواننده می تواند در برابر ادعای خواهان جبران خسارت هتک حیثیت به آن ها متوسل شود. حقیقت و درستی، اعتقاد با حسن نیت، و انتشار در مورد یک مسئله منفعت عمومی از قبیل دفاع ها محسوب می شوند. اهمیت این دفاعیات از آن جا ناشی می شود که انگلستان، نظام حقوقی مساعد به حال خواهان است؛ زیرا اولاً فرض بر این است که اظهارات توهین آمیز، اشتباه هستند و بار اثبات درستی اظهارات بر عهده خواننده است و ثانياً عاملان این زیان، در صورتی که هیچ دفاع مثبتی وجود نداشته باشد، مسئولیت محض دارند. در واقع، لازم نیست که زیان دیده اثبات نماید که خواننده می دانسته اظهارات توهین آمیز اشتباه بوده اند یا حتی در رابطه با درستی یا نادرستی اظهارات با بی احتیاطی یا مساحمه رفتار کرده است (Johnson, 2017: 27).

در کنار قوانین ذکر شده، منابعی نیز وجود دارد که بنابر مورد، این خسارت و جبران آن را مدنظر قرار داده است. مواد ۱۶۶ و ۲۰۱ قانون بخش برنامه مصوب سال ۱۹۹۰ و ماده ۴ قانون تئاتر مصوب ۱۹۶۸، از این قبیل هستند. همچنین در سال ۱۸۹۱، به طور خاص در مورد زنان قانونی در این باره تصویب شد که بر اساس آن، نسبت دادن بی عفتی به زنان و دختران و هتک حرمت آن ها، موجب مسئولیت مدنی عامل می شد. هم اکنون این قانون به موجب بخش ۱۴ قانون هتک حیثیت ۲۰۱۳، منسوخ شده است.

۲- گونه شناسی جرایم علیه تمامیت معنوی اشخاص در قانون ایران و انگلستان

در قدیمی ترین قوانین مدون و مکتوب نیز جرایم علیه شخصیت معنوی، بیان و برای آن مجازات تعیین شده است، از منظر تاریخی، پاسداری و صیانت از عزت، شرف و در مجموع ارزش های معنوی بشر از اعصار قدیم مورد توجه قواعد و نورمهای موضوعه قرار گرفته لذا هرگونه تعرض و تجاوز به حیثیت، شرف، عزت و موقف انسانی مانند اهانت، فحاشی، قذف، افترا یا تهمت به غیر، جرم توصیف و مجازات آن آن معین گردیده است.

۱-۲- جرم توهین

قانونگذار در مواد قانونی مرتبط با توهین بدون آنکه معنا و یا تعریفی ارائه نماید، از واژگان توهین، اهانت، فحاشی، الفاظ رکیک و دشنام استفاده کرده است که در واقع همه آن ها مصداق توهین و اهانت هستند. بنابراین تردیدی در مترادف بودن مفهوم توهین و اهانت که ریشه مشترکی نیز دارند وجود ندارد. قانونگذار نیز با لحاظ این وصف، از هر دو واژه برای یک منظور و آن هم جرم توهین استفاده نموده است. توهین در مفهوم عام می تواند شامل قذف، افترا، هجو، نشر اکاذیب، ضرب و جرح و امثال آن ها باشد، ولی با توجه به اختصاص عنوان، ارکان و مجازات ویژه برای هریک از آن ها، عل الاصول، اعمال قاعده تعدد معنوی را در صورتی که عمل ارتكابی عنوان خاصی داشته باشد، باید منتفی دانست. و ماده ۶۰۸ ق.م.ا.ت، تصریح به جمله "...چنانچه موجب حد قذف نباشد..." موبد این دیدگاه است. بنابراین در ادامه به بررسی ارکان جرم توهین شامل عنصر مادی و معنوی جرم توهین خواهیم پرداخت.

۱-۱-۲- عنصر مادی

الف- رفتار مرتکب: در قوانین مختلفی که به جرم انگاری توهین پرداخته شده است، اصطلاحاتی مانند، اهانت، توهین، فحاشی، استعمال الفاظ رکیک، دشنام، ارتكاب اعمال و انجام حرکات، مورد استفاده قرار گرفته که همگی ظهور بر فعل دارند. از نظر شکلی و با توجه به عناوین قانونی به شرح فوق، فعل ارتكابی می تواند در اشکال استعمال الفاظ، نوشتن، نقاشی، کاریکاتور، فتوشاپ، انتشار عکس باشد. ماده ۸ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۸ مقرر می دارد: "افترا به مقامات نهادها، ارگان ها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند اگرچه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد". افزون بر این موارد، با ارتكاب اعمال و حرکات و بدون استعمال الفاظ نیز، توهین قابل تحقق است. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه ۷/۶۷۵۳-۸۶/۱۰/۱۰ به ذکر مصادیقی از این افعال اشاره دارد: "اهانت امری است عرفی و تشخیص آن با قاضی رسیدگی کننده به پرونده است و برای احراز بزه اهانت علاوه بر قصد اهانت شخصیت و مقام و موقعیت هر دو طرف و الفاظی که به کار می برند و کیفیت آن و عمل مرتکب باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین در فرض اعلام هل دادن و بیرون انداختن با وضعیت فیزیکی سخیف اگر از جهت ایراد ضرب عمدی منتهی به وقوع بزه نشده و اهانت کننده قصد اهانت داشته باشد در صورت احراز می تواند از مصادیق ماده ۶۰۸ ق.م.ا.ت باشد". همچنین، در ماده واحده قانون استفساریه مصوب ۱۳۷۹ به صراحت بر امکان تحقق جرم توهین از طریق اعمال و حرکات تاکید دارد "از نظر مقررات کیفری، اهانت و توهین و... عبارت است از به کار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتكاب اعمال و انجام حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص تخفیف یا تحقیر آنان شود و با عدم ظهور الفاظ، توهین تلقی نمی گردد".

توهین عملی یا حرکتی، گاهی غیر اصابتی است، مانند شکلک درآوردن، استفاده از انگشتان یا دست و پا به شکل خاص و القاء توهین، اشاره به سر و تفهیم دیوانه بودن طرف که شخص معقول و محترمی است، یا انداختن کلاه از سر یا برهنه کردن دیگری یا باز کردن در اطاق یک مقام قضایی با کوبیدن پا به آن یا بستن آن با شدتی که موهن باشد. در این مصادیق، مرتکب از هیچ لفظی استفاده نمی کند و رفتار او منحصر به حرکات غیر اصابتی نسبت به طرف است. در برخی موارد، ارتكاب جرم

توهین با انجام حرکاتی صورت می پذیرد که بر تمامیت جسمانی موضوع جرم یعنی توهین شونده واقع می گردد، مانند هل دادن، بیرون انداختن، پرتاب و یا ریختن مواد آلوده یا رنگی و امثال آن ها و یا هر رفتاری که نه موجب آسیب و عیبی در بدن گردد و نه اثری از خود در بدن بر جای بگذارد.

چنانچه رفتار مرتکب علیه طرف منتهی به یکی از آثاری شود که اطلاق واژه جنایت به آن امکان پذیر باشد، مانند موارد مذکور در ماده ۴۰۱ ق.م.ا: "در جنایت مأمومه، دامغه، جائفه، هاشمه، مُقْلَه شکستگی استخوان و صدماتی که موجب تغییر رنگ پوست یا ورم بدن می شود، قصاص ساقط است و مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به تعزیر مقرر در کتاب پنجم "تعزیرات" نیز محکوم می شود. حکم مذکور در هر مورد دیگری که خطر تجاوز در قصاص عضو یا منافع وجود داشته باشد نیز جاری است؛ آیا می توان با فرض قصد توهین، مرتکب را با توجه به قواعد تعدد جرم، مجازات نمود؟ در تبصره ماده ۷۸ ق.م.ا، مصوب ۱۳۶۲ مقرر بود: "در صورتی که توهین به صورت ضرب و جرح یا نقص باشد، علاوه بر مجازات این ماده به مجازات خود آن عمل نیز محکوم خواهد شد".

این تبصره در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ حذف گردید و این به معنای آن است که ضرب و جرح ذاتا رفتارهای موهنی هستند، ولی تعیین مجازات جداگانه برای آنها علاوه بر مجازات جنایات عمدی، قابل قبول نیست مگر آنکه جرم توهین به طور مستقل از صدمات واقع شده باشد. این دیدگاه در مورد جرایمی از قبیل مزاحمت، تهدید و یا اخاذی موضوع ماده ۶۱۷ همین قانون مذکور نیز قابل طرح و بررسی است؛ "هر کس به وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرت نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به حبس از شش ماه تا دو سال و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

بنابراین، از مطالبی که در خصوص رفتار مرتکب ذکر شد، می توان چنین نتیجه گیری نمود که رفتار در جرم توهین در اشکال مختلف، قابل تصور است و کافی است مفهوم عرفی توهین متبادر گردد. در بعضی از قوانین، قانونگذار از جمله "به نحوی از انحاء اهانت نماید" استفاده نموده که باید آن را از باب تأکید بر تمثیلی بودن رفتار و خروج از برخی محدودیت ها در سایر توهین ها دانست. به موجب ماده ۵۱۴ ق.م.ا، "هر کس به حضرت امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی و مقام معظم رهبری به نحوی از انحاء اهانت نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد".

در پاسخ به این پرسش که آیا جرم توهین و نه توهین عرفی صرف، با ترک فعل قابل تحقق است، باید به نکات زیر توجه داشت: نخست، ارتکاب توهین مجرمانه با ترک فعل با ممنوعیت قانونی صریح مواجه نیست، هر چند منطوق برخی مواد قانونی تنها ناظر بر ارتکاب فعل است مانند واژگان "فحاشی و استعمال الفاظ رکیک" (ماده ۶۰۸ ق.م.ا)، دوم، واژگان توهین و اهانت را نمی توان منحصر به فعل دانست و تفسیر آن ها به گونه ای که ترک فعل را در بر گیرد با لحاظ سایر شرایط بلامانع است.

در این صورت، برخی موانع در عمل مانع استناد به ترک فعل، حداقل در همه موارد است که عبارتند از: رویه قضایی که چنین تمایلی را نشان نداده است و یا ماده واحده قانون استفساریه مصوب ۱۳۷۹ که مقرر می دارد: "ارتکاب اعمال و انجام حرکات"، که به طور ضمنی بر این مشکل افزوده است. همچنین استفاده از اصطلاح "به نحوی از انحاء" در ماده ۵۱۴ ق.م.ا، به طور

استثنایی و با عنایت به این که تنها ناظر بر توهین به امام خمینی و مقام رهبری است و فقدان آن در سایر مواد، از دیگر مشکلات عملی استناد به ترک فعل برای تحقق توهین در حال حاضر است در عین حال، در صورت پذیرش توهین مجرمانه با ترک فعل در همه موارد، و با لحاظ فرهنگ عمومی جامعه ایران، مواجه با افزایش بی رویه آمار جمعیت کیفری خواهیم بود، معضلی که نظام قضایی همواره و با حساسیت زیاد در صدد جلوگیری از آن است.

۲-۱-۲- عنصر روانی

هرچند جرایم توهین متعدد و از نظر ساختاری متنوع هستند، ولی همگی آن ها در بخش هایی از رکن معنوی مشترک و در بخش های دیگری از یکدیگر متمایزند. در این قسمت، تنها به بررسی مشترکات رکن معنوی جرایم توهین پرداخته و پیش از آن متذکر می شویم که گرچه در هیچ یک از مصادیق جرایم توهین در قانون، اشاره ای به واژگانی از قبیل عمد، سوءنیت، قصد توهین، قصد اهانت و امثال آنها نشده است، اما با توجه به اصل عمدی بودن جرایم، توهین جرم عمدی محسوب می شود و توهین غیر عمدی در هیچ یک از مواد قانونی، پذیرفته نشده است. برخی از دیدگاه های حقوقی بر این باورند که "سوءنیت، قصد لطمه زدن به حیثیت و شرافت سوءنیت در توهین و فحاشی همیشه مفروض است" (پادا، ۱۳۸۲: ۳۵۰) و یا... در اهانت قصد هم لازم است یعنی اهانت کننده باید قصد اهانت داشته باشد" (نظریه ۷/۳۴۷۲-۱۶/۸/۱۳۷۷ ا.ح.ق.) یا "اطلاق ارتکاب جرم توهین به فاعل مستلزم احراز قصد اوست... قصد اهانت هم احراز شده باشد" (نظریه ۷/۱۳۰۰-۱۴/۱۰/۱۳۷۷ ا.ح.ق.). این دیدگاه ها، در بخش هایی محل تردید است. اینکه با پذیرش اصل عمدی بودن توهین، در مرحله نخست باید به ماده ۱۴۴ ق.م.ا در مقام احراز اجزاء عمد استناد نمود و حاکمیت و اعتبار ماده ۷۲۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ را که کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون را منسوخ می داند، لحاظ و در عین حال تعامل این ماده با قوانین خاص را نیز در نظر دور نداشت.

۲-۲- جرم افترا در قانون مجازات

جرم افترا موضوع ماده ۶۹۷ ق.م.ا.ت در سال ۱۳۰۴ و در قانون مجازات عمومی به موجب ماده ۲۶۹ جرم انگاری گردید: "هرکس بوسیله اوراق چاپی یا خطی یا بوسیله انتشار اعلان یا اوراق مزبوره یا بوسیله نطق در مجامع به یک یا چند نفر امری را صریحا نسبت دهد که مطابق قانون، مجازات آن امر جنحه یا جنایت محسوب شود مفتري محسوب خواهد شد مشروط بر این که نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید".

در سال ۱۳۶۲ با تصویب قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، این جرم به موجب ماده ۱۴۰ جایگزین ماده ۲۶۹ ق.م.ع گردید و در سال ۱۳۷۵ ماده ۶۹۷ ق.م.ا.ت، به شرح ذیل به این جرم اختصاص یافت و به طور صریح و ضمنی قوانین قبلی را نسخ نمود: "هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحا نسبت دهد یا آن ها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به جزای نقدی درجه شش محکوم خواهد شد.

تبصره: در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب گردد هرچند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد".

۱-۲-۲- عنصر مادی

در خصوص رفتار مرتکب و اوصاف آن، به صراحت ماده اخیر رفتار مرتکب به قید حصر در دو مصداق "نسبت دادن" یا "انتشار" قابل تحقق است. نخست این که برابر منطوق جمله "... نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید"، تحقق این مصداق تنها به صورت فعل متصور است و با ترک فعل نمی توان دیگری را مرتکب این جرم قلمداد نمود. اما چنانچه ترک فعل، بخشی از مجموعه رفتارهایی باشد که برای انتساب جرم واقع می شود، امکان آن منتفی نیست، مانند امتناع فردی از تکذیب اتهام وارده از سوی دیگران و البته مشروط به احراز شرایط لازم. دوم، موضوع ابهام برانگیزی که ناشی از جمله "... نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید" است، تعامل انتساب و انتشار می باشد. آیا لازمه تحقق افتراء، انتساب و انتشار به طور توأمان است؟ در پاسخ به این پرسش، می توان گفت که اگر مرتکب واحد باشد، بدیهی است که با توجه به متن ماده، انتشار، شرط لازم برای جرم محسوب شدن انتساب است. اما اگر کسی مبادرت به تهیه وسایل متضمن انتساب نماید، مانند درج مطالبی روی اوراق متعدد و آنها را به دیگری بسپارد تا منتشر کند و نفر دوم، با علم و اطلاع اقدام نماید، شخص اخیر مفتری و تهیه کننده وسایل، عنوانی بیش از معاون نخواهد داشت. در فرض دیگر اگر نفر دوم (منتشر کننده) جاهل به محتوی باشد، نفر اول که عالم است، مسبب اقوی محسوب و جرم به او منتسب می گردد. همچنین، اگر نفر اول، علاوه بر انتساب به شرح ماده، مبادرت به انتشار نماید و سپس بخشی از وسایل انتساب را به دیگری دهد و شخص اخیر نیز با علم و اطلاع از محتوا مبادرت به انتشار نماید، هر دو به طور مستقل مجرم محسوب می شود. تذکر این نکته نیز ضروری است که ارتکاب مصداق مختلف یک جرم در بازه زمانی محدود، علی الاصول تعدد محسوب نمی شود. تدارک وسایل انتساب توسط یک نفر و مداخله او با دیگری در انتشار به نحوی که واجد شرایط شرکت در جرم باشد، کافی برای شریک دانستن هر دو آن هاست. این که آیا می توان نفر نخست را به مجازات معاونت در افتراء ارتكابی توسط دیگری نیز محکوم نمود، منتفی نیست. افتراء، جرمی است مطلق و آنی.

۲-۲-۲- عنصر روانی

مقدمه واجب برای بررسی رکن معنوی هر جرم، احراز رکن مادی است. در جرم افتراء نیز که مشمول همین حکم است، پیش فرض ما این است که در جرم افتراء با کسی مواجهیم که ارتکاب جرمی را به طور ارادی و به نحو صریحی به دیگری نسبت داده و قادر به اثبات صحت آن اسناد نیست. بنابراین، اگر در انتساب تردیدی وجود داشته باشد و یا رفتار انتسابی فاقد وصف مجرمانه باشد و یا صراحتی در انتساب مشهود نباشد، رکن مادی، محقق نبوده و نوبت به بررسی رکن معنوی نمی رسد. اکنون می توان بیان کرد که افتراء از جرایم عمدی محسوب می شود و ناچار باید قواعد کلی مندرج در ماده ۱۴۴ ق.م.ا: "در تحقق جرایم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرایمی که وقوع آن ها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود". لحاظ گردد،

۳-۲-۲- قانون افتراء مصوب ۲۰۱۳ انگلستان

قانون افتراء در سال ۲۰۱۳ به منظور اصلاح قانون مربوط به افتراء و حصول اطمینان از برقراری تعادل عادلانه بین حفاظت از شهرت و آزادی بیان معرفی شد. در حالی که قانون قبلی به دنبال محافظت از شهرت با جلوگیری از بیان اظهارات تحقیرآمیز در مورد افراد بود، اما مانع از "آزادی بیان و محافظت از افراد قدرتمند در برابر نظارت" شد. و محدودیت های بیش از حد بر

توانایی بیان افراد اعمال می شد (Brian Martin, 1996: 6) اگرچه تلاش های زیادی توسط دادگاه ها برای ایجاد تعادل بین دو منافع متضاد انجام شد، همانطور که در رینولدز نشان داده شد. اغلب دستیابی به این امر دشوار بود (Richard Stone, 2010: 310). این امر با توسعه اینترنت که محافظت در برابر افتر آنلاین را بسیار دشوار می کرد، مشکل سازتر شد. این امر منجر به ارائه پیش نویس لایحه افتر در مارس ۲۰۱۱ شد که حاوی مقرراتی برای "اصلاح قانون برای ایجاد تعادل صحیح بین حمایت از آزادی بیان و حمایت از شهرت" بود (Justice, 2016) که متعاقباً منجر به تصویب این قانون شد.

هدف این قانون اصلاح عدم تعادل بین حفاظت از شهرت در برابر افتر و آزادی بیان بود. تصور بر این بود که این قانون پیچیدگی هایی را که در مورد افتر آنلاین وجود داشت را با تسهیل اجرای قانون افتر به صورت آنلاین از بین می برد و در عین حال محدودیت زیادی برای آزادی بیان ایجاد نخواهد کرد. بنابراین هدف این قانون فراهم کردن یک محیط حقوقی متعادل تر و منصفانه بود که به دنبال محافظت از هر دو منافع متضاد (Ibid) با تدوین اصول حقوق رایج موجود و روشن تر کردن این موضوع بود که چه زمانی می توان اقدامی برای افتر ایجاد کرد. بنابراین گفته می شود که کدنویسی "روشن سازی و تثبیت قانون رایج کنونی برای اطمینان بیشتر و قابل دسترس تر کردن آن است" (Afia & Hartley, 2011: 161).

تغییراتی که در این قانون صورت گرفت شامل:

بخش ۱ قانون یک آزمون "آسیب جدی" را برای همه ادعاهای افتر معرفی می کند. بر اساس این آزمون جدید، بیانیه ای توهین آمیز تلقی نمی شود، مگر اینکه نشان داده شود که انتشار آن باعث آسیب جدی به شهرت فرد می شود یا احتمالاً به آن آسیب می رساند. در حالی که این ماده به دنبال اطمینان از این است که فقط جدی ترین اظهاراتی که افترآمیز تلقی می شوند، باید در نظر گرفته شود که منظور از "آسیب جدی" چیست که می تواند ابهام ایجاد کند (Ministry of Justice, 2016). با این وجود، این بخش از قانون احتمالاً متقاضیان را از طرح اقدامات بهبود یافته بازدارد (Alston Young, 2016).

بخش ۲ قانون، بخش ۵ قانون افتر ۱۹۵۲ را با لغو دفاع از توجیه قانون عرفی و ارائه دفاع از "حقیقت اساسی" لغو می کند که آن ها قادر به تکیه بر این دفاع خواهند بود. این بخش به دنبال تضمین این است که با اجازه دادن به اظهارات حقیقت، از آزادی بیان نیز حمایت شود.

بخش ۳ قانون بخش ۶ قانون افتر ۱۹۵۲ را با لغو دفاع از اظهار نظر منصفانه و ارائه دفاع از "نظر صادقانه" لغو می کند که می توان به این بخش اعتماد کرد.

بخش ۴ دفاع از قانون عرفی ایجاد شده در پرونده رینولدز را لغو می کند که به نظر می رسید مصونیت جدیدی برای رسانه ها فراهم می کند (Keith Schilling, 2011: 160) و یک دفاع قانونی از منافع عمومی را معرفی می کند. این بخش اجازه می دهد تا اظهاراتی بیان شود که گفته می شود موضوعی مورد علاقه عمومی است، مشروط بر اینکه نویسنده بیانیه معتقد باشد که چنین است. استدلال شده است که این بخش انعطاف پذیری را کاهش می دهد و احتمالاً دعوای قضایی اضافی ایجاد می کند، اگرچه به نظر می رسد که این بخش فقط دفاع رینولدز را بر اساس قانونی قرار می دهد.

بنابراین به نظر می‌رسد که این قانون قوانین و اصول حقوق رایج موجود را مدون کرده است، در نتیجه تشخیص اینکه چه زمانی یک اقدام افترا می‌تواند مؤثر باشد را آسان‌تر می‌کند. قرار است این امکان را برای دادگاه‌ها فراهم کند تا تعادلی بین افترا و آزادی بیان ایجاد کنند تا هر دو منافع بتوانند از حمایت کافی برخوردار شوند.^۲

۴-۲- قذف در قانون مجازات اسلامی

قذف یک واژه عربی است و به معنای سنگ انداختن، به بدی نسبت دادن، دشنام دادن و قی کردن است (معین، ۱۳۹۱: ۲۶۴۹). قذف در اصل لغت به معنای رمی و انداختن گفته می‌شود؛ "قذف بالحجارة" یعنی سنگ را انداختن و وقتی کسی دیگری را قذف می‌کند، مثل این است که کلمه‌ای آزاردهنده به سوی او می‌اندازد (محقق حلی، ۱۳۷۴: ۶۹). قذف در اصطلاح متشرعه و فقها همانند کلمه افترا به معنی نسبت دادن شخص به زنا و یا عمل لواط است (مشکینی، بی تا: ۲). قانون مجازات اسلامی براساس منابع فقهی در ماده ۲۴۵ در تعریف قذف آورده است: "قذف عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر هر چند مرده باشد". این ماده تنها در مقام بیان تعریف قانونی واژه قذف است.

۵-۲- سلب آسایش و حقوق و آزادی مردم

ماده ۶۹۸ ق.م.ا.ت، که مستند قانونی این جرم است، متضمن دو عنوان مجرمانه است که عبارتند از نشر اکاذیب و انتساب اعمال خلاف حقیقت به دیگران (مزاحمت) که به طور مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرند: "هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی با امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت راسا یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریح یا تلویحا نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از یک ماه تا یک سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود".

همچنین در قانون حفاظت از آزادی‌ها مصوب سال ۲۰۱۲ انگلستان، با تمام تغییرات شناخته شده‌اش که در تاریخ ۲ مارس ۲۰۲۳ لازم‌الاجرا شده است، به روز گردیده است. ممکن است تغییراتی نیز در آینده به این قانون اضافه شوند. تغییرات ایجاد شده در محتوا ظاهر می‌شوند و با حاشیه‌نویسی ارجاع می‌شوند. این قانون پس از تصویب بخش ۲ قانون حمایت در برابر آزار و اذیت مصوب سال ۱۹۹۷، تصویب گردید.

در صورت ارتکاب موارد زیر فرد در رابطه با تعقیب مصرانه در فضای مجازی، مجرم شناخته می‌شود: ۱- فرد متهم باید رفتاری را خلاف مفاد بند ۱(۱) انجام داده باشد، و ۲- سیر رفتاری او معادل تعقیب باشد.

زمانیکه رفتار فرد به گونه‌ای بوده باشد که موجب آزار و اذیت طرف مقابل شده باشد، و اعمال یا اقداماتی را که در قانون تعقیب مصرانه در فضای مجازی عنوان شده‌اند، مرتکب شده باشد، و همچنین فرد آگاهانه مرتکب چنین اقداماتی شده باشد و

^۲ <https://www.lawteacher.net/acts/defamation-act->

2013.php#:~:text=Changes%20to%20the%20Law,the%20reputation%20of%20the%20individual.

آگاه بوده باشد که این رفتارش موجب آزار و اذیت طرف مقابل می‌شود، به منزله تعقیب مصرانه در فضای مجازی تلقی خواهد شد.

همچنین ۱- دنبال کردن یک فرد، ۲- تماس یا تلاش برای تماس با فردی به هر وسیله، ۳- انتشار هر گونه بیانیه در رابطه با: ارتباط یا ادعای ارتباط با شخص مورد تعقیب، یا صحبت‌هایی که ادعا شود منشأ آن‌ها فرد مورد تعقیب است. ۳- نظارت بر استفاده شخص مورد تعقیب از اینترنت، ایمیل یا هر شکل دیگری از ارتباط الکترونیکی، ۴- پرسه زدن در هر مکانی (اعم از دولتی یا خصوصی)، ۵- مداخله در هر گونه اموالی که در اختیار شخص مورد آزار است، ۶- تماشا یا جاسوسی فرد مورد تعقیب از جمله اقداماتی است که در شرایط خاص به عنوان تعقیب مصرانه در فضای مجازی تلقی می‌شوند. فردی که طبق این مفاد مرتکب جرم شده باشد، در صورت محکومیت ممکن است به حبس با مدت زمان بالای ۵۱ هفته یا جریمه نقدی بیش از سطح ۵ در مقیاس استاندارد یا هر دو مورد، محکوم شود.

۶-۲- نشر اکاذیب

در صدر ماده ۶۹۸ ق.م.ا.ت نشر اکاذیب به شرح زیر است: "هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی با امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید...". معمولاً به دنبال نشر اکاذیب تشویش اذهان عموم نیز هست. قصد و نیت و یا عنصر روانی این جرم قصد اضرار به غیر می‌باشد. این جرم اگر متوجه شخص یا اشخاص معین باشد قابل گذشت و در غیر این صورت غیر قابل گذشت است.

در خصوص رکن مادی این جرم؛ قانونگذار "اظهار نمودن" را به عنوان تنها مصداق رفتار مرتکب، شرط وقوع جرم صدر ماده دانسته است. "اظهار نمودن در مفهوم متداول، مترادف گفتن است ولی در لغت به معنای فاش کردن، آشکار کردن، بیان کردن و گفتن آمده است" (معین، ۱۳۹۱: ۲۹۹). به نظر می‌رسد، مقنن با توجه به مفاد ماده به شرح آتی، معانی آشکار و فاش کردن را بیشتر مدنظر داشته است. از این رو، ظاهر یا علنی شدن کذب ضروری است. بنابراین، اگر کسی اکاذیبی را در یکی از وسایل مورد نظر قانونگذار مکتوب نماید، اما به جز او هیچ کس از مفاد آن با خبر نشود، نمی‌توان "اظهار نمودن" را محقق دانست. "صرف نوشتن نامه ای که احتمالاً متضمن مطالب خلاف واقع باشد بدون این که این نامه به مقامات ذی صلاح ارسال شود یا موجب تشویش اذهان عمومی گردد بزه تلقی نشده و نمی‌تواند مشمول مقررات ماده ۶۹۸ ق.م.ا.ت باشد" (نظریه ۷/۲۶۸۱-۱۳۷۶/۵/۹.ح.ق.).

ظاهر یا علنی شدن به دو صورت قابل تصور است صورت اول، با مطلق ظهور و صرف نظر از تعداد مطلعین، محقق می‌شود و صورت دوم، نشر یا اشاعه آن است. در فرض اول، مانند آن که نامه متضمن مطالب کذب به وسیله پست به آدرس یک نفر ارسال گردد و در دومی همان نامه در روزنامه ای منتشر شود.

در خصوص رکن معنوی استفاده مقنن از واژه "قصد" در صدر ماده ۶۹۸ ق.م.ا.ت، مؤید عمدی بودن مصادیق اظهار اکاذیب و انتساب اعمال خلاف حقیقت به دیگران است. بنابراین، علم و آگاهی مرتکب به کذب بودن اظهارات لازمه عمدی بودن جرم نشر اکاذیب است و فقدان یا تردید در آن علی الاصول مانع تحقق وصف عمدی بودن خواهد بود.

قابلیت یا تحقق ضرر و یا تشویش اذهان را نباید نتیجه قهری عالم و آگاه بودن اظهار کننده به کذب بودن اظهارات دانست. اطلاع مرتکب از نادرستی، جزئی از رکن معنوی است و ضرر و تشویش، نتایج احتمالی عمل و در چارچوب رکن مادی قابل بررسی است. گاه حتی آگاهی مرتکب از کذب بودن آنچه می نویسد و منتشر می کند، موجبی برای انتساب جرم نشر اکاذیب نخواهد بود. به عنوان مثال، اگر مدیر مسئول روزنامه ای با علم به خلاف واقع بودن آمار تلفات سیل که از سوی سخنگوی دولت به اشتباه اعلام شده آن را در روزنامه خود درج نماید نمی توان او را به اتهام اظهار اکاذیب محکوم نمود، زیرا اجازه او برابر قانون مطبوعات به اطلاع رسانی و نیز مشخص و رسمی بودن گوینده خبر، اقدام او را توجیه می کند، هر چند که از نظر اخلاقی اقدامی ناموجه است. شعبه یازدهم دادگاه عمومی مشهد در رأی صادره بر این مورد مهر تایید نهاده است: "... راجع به قسمت اول ماده تا محل کلمه (اکاذیبی را اظهار نماید) با توجه به ادعای متهم به این که او اکاذیبی را در هفته نامه توس نوشته بلکه بیانات گویندگان مربوطه را چاپ نموده و این گفته متهم مورد تکذیب صاحبان سخن خصوصا آقای... قرار نگرفته بالنتیجه دفاع وی موجه تلقی و تحقق این قسمت از ماده قانونی را دادگاه ثابت نمی داند" (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۰: ۲۶۷). با این حال، نباید از این مصداق، نتیجه گیری کلی نمود و مطلق اظهار اکاذیب به صورت نقل قول را از شمول ماده خارج دانست.

۷-۲- مزاحمت

مزاحمت در لغت به معنای زحمت دادن و رنج رساندن است (معین، ۱۳۹۱: ۴۰۵۸). معنا و مفهوم کیفری مزاحمت، از این تعریف دور نیست، کما این که در مواد مذکور در عرض جرایمی مانند تظاهر یا قدرت نمایی، اخاذی، تهدید، گلاویز شدن، تعرض، الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت قرار داده شده است. ارتباط جرم مزاحمت با جرایم اخیر به اشکال مختلف قابل تصور است: گاهی مستقل و در این صورت، از مصادیق تعدد مادی خواهد بود و در برخی موارد، با این جرایم در بخش هایی هم پوشانی دارد که موضوع تعدد معنوی منتفی نیست و در پاره ای موارد مزاحمت می تواند حاصل جمع رفتارهای توهین آمیز، تعرضی، تهدیدی و گلاویز شدن باشد و به ترتیبی که نتوان این اجزا تشکیل دهنده را جرم مستقل محسوب نمود. در این صورت، اتهام وارده، منحصر به مزاحمت خواهد بود. این مطلب یک امر موضوعی است که مرجع قضائی باید با دقت فراوان به آن بپردازد. آنچه مسلم است نمی توان به طور کلی و قالبی اظهار نظر کرد، بلکه بررسی موردی، یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. با این ترتیب، باید اذعان کرد که ارائه تعریف جامع از جرم مزاحمت، امکان پذیر نیست و در ارائه تعریف به طور معمول، به ذکر مصادیق بسنده شده و در نتیجه با پذیرش عرفی بودن این عنوان باید در راستای تحقق جرم مزاحمت به شخصیت مزاحم، شخصیت طرف، زمان، مکان و دیگر شرایط جنبی مانند وسیله ارتکاب، حسب مورد، توجه داشت. نتیجه قهری این دیدگاه آن است که اظهار نظر مقام قضائی آنگاه معتبر خواهد بود که از شرایط مذکور، برداشت نوعی داشته باشد و نه شخصی و به عبارت دیگر، ملاک قضاوت یک قاضی متعارف است.

همچنین در مواد ۶۱۷ و ۶۴۱ ق.م.ا.ت، که از واژگان "اشخاص یا کسی" استفاده شده است، شخصیت بزه دیده، از اجزا تشکیل دهنده رکن مادی نیست، ولی در ماده ۶۱۹ این قانون، بزه دیده منحصر به زنان و اطفال است، با این حال هرچند آمار دقیقی در دست نیست بیشتر بزه دیدگان مزاحمت را زنان و یا اطفال تشکیل می دهند.

بنابراین مزاحمت از جرایم عمدی است و صرف نظر از این که آن را مطلق یا مقید به نتیجه بدانیم، علم به موضوع و قصد در رفتار مجرمانه لازمه آن است (ماده ۱۴۴ ق.م.ا.). **ماده ۶۴۱ قانون تعزیرات** در این خصوص مجازات حبس را مشخص کرده است. این ماده مزاحمت به وسیله تلفن و دستگاه های مخابراتی دیگر را بیان کرده است. این ماده مشتمل تلفن ثابت و همراه و فکس نیز می شود. در کتاب جرایم علیه اشخاص دکتر صادقی بیان شده است که: ((صرف تلفن زدن و قطع کردن و یا تلفن زدن و سکوت کردن به ویژه وقتی در ساعاتی مثل نیمه شب می تواند از مصادیق این ماده باشد)) البته که مرتکب بایستس دارای قصد و اراده باشد نه در حال خواب و هیپنوتیزم و تحت اکراه و تهدید و اجبار.

۸-۲- تهدید افراد

فصل بیست و دوم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) با عنوان تهدید و اکراه شامل مواد ۶۶۸ و ۶۶۹ است که ماده ۶۶۸ با اندکی تغییر همان ماده ۲۳۳ قانون مجازات عمومی است. حقوق دانان در خصوص مورد از عناوین دیگری مانند تهدید اشخاص اخاذی و یا اخذ مال یا سند به عنف (گلدوزیان، ۱۴۰۲: ۸) یا تهدید و اخاذی (پاد، ۱۳۸۲: ۲۵۵) و یا تهدید اشخاص (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۲: ۵۴۹) استفاده کرده اند که مقصود را به طور کلی می رساند. یادآوری این نکته ضروری است که عناوین تهدید به ارتکاب جرم در بحث معاونت و اکراه به ارتکاب جرم در فصل موانع مسئولیت کیفری قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مطرح و با تهدید و اکراه موضوع ماده ۶۶۸ ق.م.ا.ت، تفاوت های بنیادین دارد. در این قسمت تهدید کننده و اکراه کننده به طور مستقل و بدون آنکه بزه دیده در قبال رفتار خود مسئولیت کیفری داشته باشد، مجرم محسوب و مجازات می شود.

۳- تمایزات جرم علیه حیثیت معنوی در فضای سایبر نسبت به فضای حقیقی

گستره جرایم رایانه ای، بسیار وسیع است. در حقیقت، فضای سایبر همانند فضای واقعی، شاهد بروز انواع جرایم و جنایات می باشد، به گونه ای که بسیاری از آنچه در جهان واقعی رخ می دهد، در جهان مجازی اینترنت و شبکه های اطلاع رسانی نیز امکان وقوع دارد. با این تفاوت که به مدد فناوری های پیشرفته جهان مجازی، ارتکاب جرم و بزهکاری تسهیل شده و همگان امکان ارتکاب آن را خواهند داشت. مضافا این که به علت تعداد زیاد کاربرها امکان ردگیری و دستگیری مجرمان خیلی کمتر از تعقیب مجرمان در جهان واقعی می باشد. بر این اساس می توان ویژگی های خاص جرایم رایانه ای را به این ترتیب بر شمرد: "گسترده گی، فراوانی، فرامرزی بودن، وقوع سهل و آسان، تنوع، جذابیت زاید الوصف، ابهان حقوقی" (شیرزاد، ۱۳۸۸: ۴۵).

قوانین قدیمی و کلاسیک برای جرایم سنتی در نظر گرفته می شود؛ اما جرایم مدرن مخصوصا جرایم ناشی از فناوری های روز، امور حادث اند و تحت شمول مقررات جدید می باشند. همچنین بروز و ظهور فناوری های مختلف منجر به گشوده شدن بایی از جرایم شده که پیش از این کمتر به آن توجه شده است. این نوع جرایم را مبتنی بر تکنولوژی مدرن می نامند.

۱-۳- جرایم مبتنی بر تکنولوژی مدرن

برخی جرایم همچون جرایم علیه محیط زیست، هواپیما ربایی و رایانه ای از دسته جرایم ناشی از پیشرفت تکنولوژی هستند. این ویژگی، خود دارای آثاری است که در ذیل به شرح آن ها می پردازیم.

الف: عنصر مادی

عنصر مادی جرم عبارت است از فعل یا عمل خارجی که تجلی نیت مجرمانه و یا قصد جزایی است (اردبیلی، ۱۴۰۱: ۸۴). در خصوص عنصر مادی جرایم سنتی یا کلاسیک باید گفت، به دلیل وجود بسترهای متفاوت ارتکاب این دو نوع جرم، طبعا عنصر مادی هر جرم با جرم دیگر تفاوت دارد؛ ثلی در جرایم رایانه ای خصوصا در جرایم نسل اول، شکل عنصر مادی تقریبا یکسان است. به عبارتی، اجزای جرم رایانه ای عبارت است از ورود، تغییر، محو، متوقف سازی، دستکاری و امثال آن ها در اطلاعات داده ها، برنامه ها یا سیستم های رایانه ای و شبکه های ارتباطات را دور. همین ویژگی باعث بروز تفاوت در جرایم رایانه ای نسبت به جرایم سنتی است. برای مثال، در کلاهبرداری رایانه ای ورود یا تغییر داده های مالی موجب نقل و انتقال وجوه می شود. در واقع مال دیگری ربوده می شود، بدون اینکه آن فرد مستقیما فریب بخورد یا حتی با مجرم مواجه شده باشد. نکته ای که در اینجا باید گفت آن است که در حالت کلی، عنصر مادی هر جرم عبارت است از فعل و ترک فعل. حال آیا تصور جرم رایانه ای که عنصر مادی آن ترک فعل و نگهداری باشد، ممکن است یا آن که همه جرایم رایانه ای به صورت فعل مثبت تحقق می یابد؟ برخی محققین ادعا کرده اند که در جرایم رایانه ای تاکنون ترک فعل، مصداق عینی نداشته است. به علاوه هر گونه بی احتیاطی، بی مبالاتی، نداشتن مهارت و... که جزء مصادیق خطا هستند، باید در زمره تخلفات مدنی یا اداری بررسی شوند و نباید جزء موارد کیفری به حساب آید (حسینی خواه، ۱۳۷۷: ۹۴). در نقد نظریه مزبور باید گفت:

اولا: چه بسا ممکن است جرمی واقع شود که عنصر مادی آن ترک فعل باشد.

ثانیا: رکن مادی برخی از جرایم هم اکنون نیز به صورت ترک فعل و نگه داشتن است. برای مثال، هرگاه شخصی مسئول فیلتر گذاری سایت های ضد اخلاقی بوده یا وظیفه مشابهی داشته باشد لیکن به عمد و حتی با سهل انگاری و بی مبالاتی، از عهده این وظیفه خویش برنیاید، مرتکب جرمی رایانه ای شده است و نیز هرگاه شخصی تصاویر مستهجنی را که از طریق پست الکترونیکی به او ارسال شده است در حافظه رایانه خود نگهداری نماید در حالی که قانونا موظف به حذف تصاویر مزبور بوده است، مرتکب جرم رایانه ای شده است که عنصر مادی آن را می توان هم ترک فعل و هم نگهداری فرض نمود.

ثالثا: به فرض آن که در حال حاضر امکان تصور جرم رایانه ای با عنصر مادی ترک فعل و نگهداری وجود نداشته باشد، نباید عنصر مادی آن را تنها در فعل مثبت منحصر دانست. چنین رویکردی با توجه به توسعه شتابان فناوری اطلاعات، دایره تعریف را مضیق تر کرده و کارایی تعریف را از آن خواهد گرفت.

نکته دیگری که در بحث عنصر مادی جرایم رایانه ای قابل توجه است زمان و مکان ارتکاب این جرایم است. در حالت سنتی و مرسوم برای ارتکاب جرایم مراحل مختلفی (۱) مرحله قصد ارتکاب جرم؛ (۲) مرحله تهیه مقدمات؛ (۳) مرحله شروع به اجرا و (۴) مرحله اجرای جرم باید طی شود.

در مرحله عملیات اجرایی، شروع به اجرا ممکن است به سرانجام نرسد که گاهی به علت انصراف ارادی است و گاه غیرارادی. در این صورت بحث شروع به جرم یا جرم عقیم و محال مطرح می شود. اگر مجرم موفق به ارتکاب جرم شود و عمل خود را به اتمام برساند، یا جرم تام روبه رو می شویم. ولی در جرایم رایانه ای معمولاً پس از قصد مرتکب و تهیه مقدمات رایانه و اجزای آن و برنامه ریزی یک عملیات تخریبی رایانه ای جرم شروع شده و عملیات اجرایی در کسری از ثانیه به وقوع می پیوندد. فرد مرتکب از لحظه ورود داده غیر واقعی تا کسب مال، زمان بسیار کمی را طی می کند. از لحظه ارسال تا دریافت مطالب افترا آمیز در کل شبکه فقط ثانیه ای یا کمتر زمان می گذرد (دزیانی، ۱۳۷۳: ۹۶).

همچنین تعیین زمان دقیق ارتکاب جرم می تواند در تعیین مدت مرور زمان قانون حاکم و صلاحیت دادگاه تأثیر بسزایی داشته باشد. البته در مورد جرایمی که در زمان مشخص اتفاق می افتد، مشکل خاصی در تعیین زمان جرم پیش نمی آید، ولی در مورد جرایمی که در زمان خاص اتفاق نمی افتد در تعیین میزان وقوع جرم با مشکل روبه رو می شویم.

یک برنامه نویس رایانه که در یک بانک مشغول کار است، می تواند برنامه نوشته شده برای رایانه های بانک را به نحوی تنظیم کند که تا مدت مشخصی تمام مسائل، به خوبی و بدون اشکال پیش بروند، ولی پس از این مدت معین (که با محاسبات برنامه نویس تعیین شده است) ناگهان روش کار عوض شده و رایانه از تمام حساب های بانکی مبلغ ناچیزی برداشت و به حساب برنامه نویس واریز کند و او این مبلغ هنگفت را از حسابش خارج کرده و متواری شود. درباره زمان وقوع چنین جرمی چگونه می توان نظر داد؟ آیا هنگامی که این برنامه با قصد سوء نوشته می شده است زمان ارتکاب جرم است یا زمانی که جرم محقق می شود؟ در صورتی که در این هنگام عمل مجرمانه ای از سوی شخص مذکور سر نمی زند. آیا می توان این قضیه را با نظریاتی مثل تحقق عنصر مادی حل کرد؟ مثلاً شخص برنامه نویس را در زمان دادن برنامه (بر فرض امکان کشف جرم در این زمان)، به این اتهام که سوءنیت داشته محاکمه نمود یا این کار قبل از وقوع جرم خلاف عدالت است و با این استدلال فقط وقتی جرم محقق می شود می توان مرتکب را تحت پیگرد قرار داد؟

مورد دیگر در مورد مکان ارتکاب جرایم رایانه ای است که این مورد می تواند از دو منظر حقوق جزای اختصاصی و حقوق جزای بین الملل مطرح شود. از منظر حقوق جزای اختصاصی برخی جرایم می تواند بسته به مورد، در یک یا چند شهر ارتکاب یابند؛ مثلاً در جرم کلاهبرداری، عمل ارتكابی می تواند در یک شهر یا چند شهر به صورت مباشرت یا معاشرت تحقق یابد و از منظر حقوق جزای بین الملل، مکان می تواند چند جا باشد.

بنابراین وقتی شخصی مطالب افترا آمیز را در سرتاسر شبکه پخش می کند، در یک لحظه زمانی بسیار کوتاه بیش از چند کشور و به عبارتی چند میلیون سایت را درگیر کرده است؛ یا کسی که ویروسی را نوشته و منتشر کرده، با یک فعل چندین سایت را در تمام نقاط دنیا آلوده کرده است (دزیانی، ۱۳۷۳: ۶۹). با این قابلیت و مشخصه محل وقوع جرم، محل شروع، محل اتمام جرم، کشف ادله و... در نگاه اول مفقود و کشف آن غیر ممکن خواهد بود.

ب: عنصر معنوی

عمل مجرم علاوه بر اینکه در قانون ذکر می شود و تحقق خارجی می یابد، باید توأم با سوءنیت و قصد مجرمانه یا تقصیر جزایی باشد. در جرایم سنتی یا کلاسیک اصل بر عمدی بودن جرایم است؛ اما در جرایم رایانه ای به واسطه ماهیت فضای سایبر، درصد جرایم ناشی از بی مبالاتی افزایش یافته است، به گونه ای که به طور یکسان یا حتی فراتر از جرایم عمدی با انواع جرایم ناشی از بی مبالاتی مواجه می شویم. از سویی تبلور این رویکرد در نوع مسئولیت کیفری و افراد دارای مسئولیت کیفری به خوبی قابل مشاهده است. و تعدادی از افراد مشغول به کار در زمینه فناوری به واسطه نوع مسئولیت و فعالیت و همچنین به واسطه تدابیری که باید بیاندیشند یا به واسطه چارچوب وظایف حرفه ای که برای آنان تعیین شده است دارای مسئولیت هستند و این مسئولیت غالباً به خاطر بی مبالاتی به وجود می آید.

۲-۳- وجود تخصص خاص در مرتکبین جرایم رایانه ای

در بعضی جرایم ارتکاب جرم، مستلزم آشنایی با تکنیک یا تکنولوژی خاصی است. در جرایم رایانه ای، رایانه هدف، وسیله یا واسطه ارتکاب جرم است؛ بنابراین مجرم تا حدی از تخصص را دارا می باشد. با توجه به نوع جرم رایانه ای، گاهی آشنایی کلی با این تکنولوژی کافی و گاهی نیاز به تخصص در سطح بالاتر می باشد. سطح مهارت معمول در مجرمان رایانه ای محور برخی از مباحث را تشکیل می دهد. برخی عقیده دارند سطح مهارت، شاخصی برای مجرمان رایانه ای به شمار نمی آید؛ حال آنکه بعضی دیگر بر این باورند که مجرمان بالقوه رایانه ای، افرادی باهوش و دارای انگیزه اند که آماده رویارویی با چالش های تکنولوژی هستند. یعنی همان خصایصی که در کارمندان بخش داده پردازی بسیار مورد پسند است. همچنین تجربه نشان داده است که طیف گسترده ای از افراد، مرتکب جرایم رایانه ای شده اند؛ دانشجویان افراد مبتدی، تروریست ها و اعضای گروه های جرایم سازمان یافته، معمولاً سن مجرمان بین پانزده تا پنجاه سال است و دامنه مهارت آنها از سطح تازه کار تا حرفه ای را شامل می شود (پاکرادی، ۱۳۷۵: ۷۴).

هر فردی با هر سنی و با داشتن مهارتی نه چندان زیاد و با انگیزه چالش های فنی امکان کسب منابع، شهرت یا انتقام یا اشاعه باورهای عقیدتی، یک مجرم رایانه ای بالقوه محسوب می شود. مطابق مطالعات انجام شده بیشترین تهدیدها علیه منابع رایانه ای سازمانی، از جانب کارمندان است و در واقع جرایم رایانه ای غالباً جرایمی با منشأ داخلی شمرده می شود (تننباوم^۳، ۱۳۹۳: ۲۷۱).

خصوصیات مجرمان رایانه ای که برای اولین بار توسط اف بی آی^۴ جمع آوری شده به چهار دسته خصوصیات سازمانی؛ خصوصیات عملیاتی؛ خصوصیات رفتاری؛ خصوصیات منابع (دزیانی، ۱۳۷۳: ۷۵) طبقه بندی شده اند:

^۳. Andrew Stuart Tanenbaum

^۴. Federal Bureau of Investigation

۱-۲-۳- خصوصیات سازمانی

این خصوصیات روش هایی را مد نظر قرار می دهد که مجرمان رایانه ای توسط آن خود را گروه بندی می کنند. جاسوسان و مجرمان جرایم سازمان یافته به طور آشکار و قوی، با تشکیلاتی منسجم، فعالیت می کنند در سایر موارد، مجرمان رایانه ای بیشتر اوقات یا به طور انفرادی کار می کنند و یا گروه های بسیار محدودی را تشکیل می دهند در عین حال سه یا چهار مجرم رایانه ای ممکن است با هم جمع شده و فناوری روز را با یکدیگر مبادله کنند.

اکثر قریب به اتفاق جرایم به ویژه جرایم رایانه ای، دارای جذابیت و انگیزه بسیار قوی برای محقق شدن می باشند این جذابیت و انگیزه از حرص و طمع شروع و به چالش های هوشمندانه ختم می شود. از دید برخی صاحب نظران میان مرتکبین جرایم رایانه ای و مرتکبین انواع دیگر جرایمی مانند اخاذی و کلاهبرداری تفاوت چندانی وجود ندارد. بنابراین نفوذ کنندگان غیر مجاز و مؤسسات جاسوسی هر دو ممکن است ارتباطات بین المللی داشته باشند نفوذ کنندگان غیر مجاز افراد خبره ای هستند که در نفوذ به سیستم ها با یکدیگر همکاری می نمایند.

۲-۲-۳- خصوصیات عملیاتی

خصوصیات عملیاتی، روش هایی را که مجرمان برای ارتکاب جرم در نظر دارند مورد بررسی قرار می دهد. از لحاظ برنامه ریزی، جرایم رایانه ای در برخی موارد بسیار دقیق و موشکافانه برنامه ریزی می شوند در موارد دیگر به دلیل ضعف سازمان های پیشگیری کننده، مجرمان توانسته اند از فرصت های به دست آمده استفاده مطلوب داشته باشند. همچنین از لحاظ سطح مهارت و تخصص، هر چند که سطح مهارت ها گوناگون و متفاوت است، مجرمان رایانه ای نوعا از مهارت و دانش بالایی برخوردارند. این افراد وقت زیادی را برای بررسی و زمینه سازی انجام عمل مجرمانه اختصاص می دهند. همچنین با توجه به انگیزه ها و میزان تخصص، روش ها و راهکارهای متفاوت در ارتکاب جرم انتخاب می شود.

۳-۲-۳- خصوصیات رفتاری

خصوصیات رفتاری، خصوصیات مجرمان رایانه ای را شرح می دهد و اینکه انگیزه آنها چه بوده است؟ علاقمندی شان چیست؟ چه نقطه ضعفی باعث شده تا جرم رایانه ای انجام دهند؟ در بعضی موارد، بیش از یک عامل محرک وجود دارد. یک کارمند ناراضی تصمیم می گیرد از مدیر خود انتقام بگیرد و مبالغی از حساب او را به حساب خود منتقل سازد. از لحاظ ویژگی های فردی باید گفت که این ویژگی، یک، شاخص فردی با ذکر مشخصات جزئی به شمار نمی رود، بلکه صرفا نکاتی درباره میزان بهره هوشی یا نشانه های منحصر به فردی است که مجرمان رایانه ای در طبقه بندی های مختلف می توانند داشته باشند. و بنابراین از لحاظ نقاط ضعف باید چنین گفت که بعضی از مجرمین کار خود را جرم نمی دانند. برخی دیگر از نفوذ کنندگان غیر مجاز، خود را قهرمانانی می دانند که جامعه را یاری می دهند تا آسیب پذیری خود را بشناسد و در پی درمان آن برآید. مجرمان رایانه ای همانند دیگر مجرمان، نوعا آن هنگام که به نهایت آزمند و آلوده می شوند، در چنگ قانون گرفتار می آیند. در این مواقع اعتماد به نفس آن ها، آنقدر بالا می رود که به علت غرور و زیاده روی از خود ردپا بر جا می گذارند.

۴-۲-۳- خصوصیات منابع

این خصوصیات در مورد منابعی صحبت می کند که در اختیار مجرمان رایانه ای بوده یا به آن ها نیاز دارند، مجرمان به چه آموزش ها و ابزار و تشکیلاتی برای رسیدن به اهداف خود نیاز دارند؟ چه کسی قادر است به آنها کمک کند؟ از لحاظ آموزشی، مهارت های آموزشی از دوره های رسمی گرفته تا تجربیات به دست آمده در طول کار را شامل می شود در صورتی که سطح آموزش بالا باشد میزان تخصص و مهارت فرد نیز پیشرفت می کند.

از لحاظ ابزار مورد نیاز، در بیشتر موارد، جرایم رایانه ای با تجربیات عمده رایانه ای می تواند انجام شود. با یک رایانه و مودم مربوط، اگر مجرم مستقیماً به سیستم رایانه ای هدف دست پیدا کند، دیگر به تجهیزات نیازی نخواهد بود. و البته در خیلی از مواقع به وسایل و تجهیزات بیشتری نیاز می شود؛ برای مثال، انجام برقراری ارتباط و استراق سمع الکترونیکی، نیاز به تجهیزاتی بیشتری می باشد.

بنابراین برای ساختار پشتیبانی، نفوذ کنندگان غیر مجاز را همتایانشان حمایت و پشتیبانی می کنند و سرویس های جاسوسی از طریق دولت های خود پشتیبانی می شوند ولی بسیاری از مجرمان رایانه ای بدون هیچگونه پشتیبانی و حمایتی صرفاً با اتکا بر دانش خود به راحتی کار خود را انجام خواهند داد.

نتیجه گیری

در اکثر کشورها، اشخاص حقوقی دارای مسئولیت کیفری شناخته شده اند و همانند انسان ها دارای تکالیف و تعهداتی در قبال اعمال ارتكابی خود هستند. در حقوق ایران موادی از قانون مجازات اسلامی و در باب توهین، افترا و نشر اکاذیب و قانون مطبوعات، به حمایت کیفری از اعتبار معنوی این اشخاص اقدام نموده است. در کشور انگلستان، از آنجایی که این جرم به عنوان یک جرم شناخته شده بیشتر تحت عنوان خطای مدنی قابل پیگیری است. در واقع در حقوق انگلستان شخص حقوقی آسیب دیده با دریافت مبلغی به عنوان جبران خسارت به واسطه ورود خسارت معنوی، تسکین می یابد. این مبلغ به وسیله هیات منصفه و با کنترل قضات تعیین می شود و اثر اربعایی آن کمتر از مجازات کیفری نیست. در خصوص نحوه تعیین مبلغ جبران خسارت، در حقوق انگلیس قانون مدونی وجود ندارد اما رویه قضایی تا حدودی مشخص کرده است که خودداری از تصحیح مطلب مشتمل بر هتک حرمت، عدم عذرخواهی، جدی بودن هتک حرمت، تکرار مطالب تخفیف دهنده، وسعت انتشار مطلب، سوءنیت خواننده در انتشار، عدم معرفی منبع اطلاعاتی و پافشاری خواننده بر صحت مطلب تحقیر کننده بدون ارائه مدرک، بر مبلغ محکومیت خواننده می افزاید. (همچنین در مواردی که یک ناشر) (نشر دهنده مطلب موهن یا کارمند مطبوعاتی)، به قصد از بین بردن آبروی دیگری یا قصد افزایش تیراژ، اقدام به هتک حرمت نموده باشد؛ علاوه بر جبران خسارت موظف به پرداخت یک جزای نقدی نیز می باشد. در حقوق ایران برای افراد مرتکب جرایم توهین، افترا و نشر اکاذیب، مجازات های حبس، شلاق، جزای نقدی در نظر گرفته شده است. همچنین در جهت تشدید مجازات، قانونگذار اعمال دو مجازات همزمان را برای مرتکب در نظر گرفته است. علاوه بر آن، قانونگذار براساس اصل ۱۷۱ و مواد ۱، ۲، ۸، ۹ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، امکان جبران خسارت معنوی را نیز تعیین نموده است. روش های جبران خسارت معنوی به دو گروه اصلی جبران های مالی و غیرمالی تقسیم می شوند. در حقوق ایران، قانونگذار انواع روش های جبران، اعم از مالی و غیر مالی را جهت جبران ضرر معنوی پیش بینی نموده است. به عنوان یک قاعده کلی ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی

مقرر می دارد: "دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد..." ماده ۱۱ قانون مزبور نیز، به عنوان حکمی خاص، ناظر به قسمی از ضررهای معنوی یعنی لطمه به حیثیت و اعتبار اشخاص می باشد و مقرر می دارد: "کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می شود، می تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید، دادگاه می تواند (علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی)، حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید". بنابراین در حقوق ایران ارتکاب جرم علیه اعتبار معنوی اشخاص به طور توأمان از طریق مالی و غیر مالی قابل جبران است. در خصوص بعضی از اقسام ضرر معنوی امکان جبران از طریق غیر مالی وجود ندارد، (نظیر دردهای جسمانی، آلام روحی و ترس). از همین رو، چنانچه جبران مالی نیز برای آنها در نظر گرفته نشود بدون جبران باقی خواهند ماند و این امر غیرقابل قبول است. بنابراین، علاوه بر جبران مادی یعنی پرداخت مبلغی پول به زیان دیده، قانونگذار راه های دیگری از جمله، الزام مرتکب فعل زیان بار به ارائه مراتب اعتذار خود و یا درج حکم در مطبوعات را در نظر گرفته است. در حقوق انگلستان یک مرور زمان ۳ ساله برای تعقیب جرایم علیه اعتبار معنوی (هتک حرمت)، قرار داده شده است. ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز یک مرور زمان ۵ ساله را برای جرایم تعزیری درجه ۶ و مرور زمان ۳ ساله برای جرایم درجه ۷ پیش بینی نموده است که شامل اکثر جرایم از جمله توهین و هتک حرمت مطبوعاتی می شود. البته در ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی هم مرور زمان شکایت جرائم قابل گذشت نظیر توهین، افترا و نشر اکاذیب را یک سال تعیین کرده است.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۱)، **حقوق جزای عمومی**، ج ۱، چ ۷۱، تهران: میزان.
- اعتمادی، امیر؛ حسینی، سید محمد (۱۳۹۶)، **ایجاد ترس از اعمال خشونت به مثابه تهاجمی علیه تمامیت روانی اشخاص، در نظام های کیفری ایران و انگلستان**، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۲۱، ۹-۳۸.
- بیگدلی آذری، ندا؛ مسجده سرائی، حمید؛ پاکزاد، بتول (۱۴۰۱)، **تحلیل گونه شناسی پاسخ دهی واکنشی به بزه در فضای دررفضای مجازی**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۸، ۲۱-۵۴.
- پاد، ابراهیم (۱۳۸۲)، **حقوق کیفری اختصاصی**، ج ۱، تهران: رهام.
- پاکزاد، بتول (۱۳۷۵)، **جرایم رایانه ای**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- پورقهرمانی، بابک؛ قانع، رقیه (۱۳۹۳)، **بررسی جرم انگاری جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص در حقوق ایران در پرتو کنوانسیون جرایم سایبری**، همایش ملی ایران و چالش های حقوقی بین المللی، دانشگاه آزاد اسلامی مراغه.
- تنبایوم، ندراس (۱۳۹۳)، **شبکه های رایانه ای**، ترجمه: عین الله جعفر نژاد قمی و قدرت الله سپیدنام، چ ۳، تهران: انتشارات علوم رایانه.

- جوانمرد، بهروز؛ خواجه، آتنا؛ فاطمی، سحر (۱۴۰۲)، **ترصد یا تعقیب مؤکدانه در فضای مجازی؛ یک تتبع تطبیقی در نظام تقنینی ایران و پادشاهی بریتانیا**، چهارمین کنفرانس ملی پدافند سایبری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.
- حسینی خواه، نورالله (۱۳۷۷)، **جرایم رایانه ای**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.
- دزیانی، محمدحسن (۱۳۷۳)، **ابعاد جزایی کاربرد رایانه و جرایم رایانه ای**، خبرنامه انفورماتیک شورای عالی انفورماتیک کشور، ۵۸.
- رشنودی، عارف؛ احمدی، یوسف (۱۴۰۲)، **بررسی تطبیقی شیوه های جبران خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران و انگلستان**، تمدن حقوقی، ۱۵، ۵۳-۷۸.
- شیخ الاسلامی، عباس (۱۳۸۰)، **جرایم مطبوعاتی**، ج ۱، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- شیرزاد، کامران (۱۳۸۸)، **جرایم رایانه ای از دیدگاه حقوق جزای ایران و حقوق بین الملل**، تهران: بهینه.
- گلدوزیان، ایرج (۱۴۰۲)، **محمشای قانون مجازات اسلامی**، ج ۱۰، تهران: مجد.
- محمدی، ابوالحسن (۱۳۷۴)، **حقوق کیفری اسلام**، ج ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مشکینی، **حدود در اسلام، تقریرات**، دادرای انقلاب اسلامی استان یزد، بی تا.
- معین، محمد (۱۳۹۱)، **فرهنگ فارسی**، ج ۲، چ ۲۷، تهران: امیرکبیر.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۴۰۲)، **جرایم علیه اشخاص**، ج ۳۳، تهران: میزان.

- Brian Martin. *Defamation Law and Free Speech*, (London: Freedom Press, 1996) 6
- GRAHAM, Stephenson, 1996, Source book on Torts, 1 ed, London, Cavandish Publishing Limited.
- Harpwood, Vivienne, 2000, Principles Of Tort law, London, Fourth edition, Cavendish Publishing Limited.
- Heena Keswani (2017) Bharati Law Review, April – June
- Jenny Afia and Phil Hartley. 'Tipping the Balance' (2011) 161 *NLJ* 376, Issue 7457, 161
- Johnson, Vincent R, 2017, Comparative Defamation Law and the United States, 24 U, University of Miami International and Comparative Law, Review.1
- Keith Schilling. 'Book Review: Duncan and Neill on Defamation' (2011) 7407 *NLJ* 356, 160
- Richard Stone. *Textbook on Civil Liberties and Human Rights* (8th edn, OUP Oxford 2010) 310
- Steven D. Hazelwood & Sarah Koon-Magnin (2013) Cyber Stalking and Cyber Harassment Legislation in the United States: A Qualitative Analysis, International Journal of Cyber Criminology, vol 7, issue 2

- Veeder, Van Vechten, 1903, The History and Theory of the Law of Defamation, Columbia Law Review Association, vol.3, N0.8. pp 546-573.

<https://www.west-midlands.police.uk/your-options/cyber-abuse>

- <https://www.lawteacher.net/acts/defamation-act>.

References

-Ardabili, Mohammad Ali (1401), General Criminal Law, Volume 1, Chapter 71, Tehran: Mizan.

- Etamadi, Amir; Hosseini, Seyyed Mohammad (2016), creating fear of violence as an attack against the psychological integrity of individuals, in the criminal systems of Iran and England, Criminal Law Research Quarterly, 21, 9-38.

Begdeli Azari, Neda; Masjid Sarai, Hamid; Pakzad, Betul (1401), Analysis of the typology of reactive response to offense in virtual space, Studies of Fiqh and Islamic Law, 28, 21-54.

- Pad, Ebrahim (1382), Special Criminal Law, Volume 1, Tehran: Raham. -

Pakzad, Betul (1375), computer crimes, Master's thesis, Faculty of Law, Shahid Beheshti University.

- Pourkohermani, Babak; Qanei, Ruqieh (2013), investigation of the criminalization of crimes against the spiritual personality of individuals in Iranian law in the light of the Convention on Cybercrimes, National Conference of Iran and International Legal Challenges, Islamic Azad University of Maragheh.

- Tenenbaum, Nedro S., (2013), Computer Networks, translated by: Ainullah Jafarnjad Qomi and Qadratullah Sepidnam, 3rd edition, Tehran: Computer Science Publications.

- Jawanmard, Behrouz; Eunuch, Athena; Fatemi, Sahar (1402), tracking or stalking in virtual space; A comparative analysis in the legal system of Iran and the Kingdom of Great Britain, the fourth national conference of cyber defense, Islamic Azad University, Maragheh branch.

- Hosseinikhah, Nurullah (1377), Computer Crimes, Master's Thesis, Faculty of Law, Islamic Azad University, Naraq Branch.

- Deizani, Mohammad Hassan (1373), criminal dimensions of computer use and computer crimes, informatics newsletter of the Supreme Informatics Council of the country, 58.
- Rashnoudi, mystic; Ahmadi, Youssef (1402), a comparative study of compensation methods for moral damages in the legal system of Iran and England, Tadman al-Haliwi, 15, 53-78.
- Sheikh al-Islami, Abbas (1380), Press Crimes, Volume 1, Mashhad: Academic Jihad Publications.
- Shirzad, Kamran (2008), Computer crimes from the perspective of Iranian criminal law and international law, Tehran: Optim.
- Goldouzian, Iraj (1402), Mahshai of the Islamic Penal Code, Chapter 10, Tehran: Majd.
- Mohammadi, Abolhasan (1374), Islamic Criminal Law, Volume 1, Tehran: Academic Publishing Center.
- Meshkini, Hudud in Islam, essays, Islamic Revolution Prosecutor's Office of Yazd Province, B. - Moin, Mohammad (2011), Farhang Farsi, vol.2, ch.27, Tehran: Amirkabir.
- Mir Mohammad Sadeghi, Hossein (1402), Crimes against individuals, Ch. 33, Tehran: Mizan.
- Brian Martin. Defamation Law and Free Speech, (London: Freedom Press, 1996) 6
- GRAHAM, Stephenson, 1996, Source book on Torts, 1 ed, London, Cavandish Publishing Limited.
- Harpwood, Vivienne, 2000, Principles Of Tort law, London, Fourth edition, Cavendish Publishing Limited.
- Heena Keswani (2017) Bharati Law Review, April – June
- Jenny Afia and Phil Hartley. 'Tipping the Balance' (2011) 161 NLJ 376, Issue 7457, 161
- Johnson, Vincent R, 2017, Comparative Defamation Law and the United States, 24 U, University of Miami International and Comparative Law, Review.1
- Keith Schilling. 'Book Review: Duncan and Neill on Defamation' (2011) 7407 NLJ 356, 160

- Richard Stone. Textbook on Civil Liberties and Human Rights (8th edn, OUP Oxford 2010) 310

- Steven D. Hazelwood & Sarah Koon-Magnin (2013) Cyber Stalking and Cyber Harassment Legislation in the United States: A Qualitative Analysis, International Journal of Cyber Criminology, vol 7, issue 2

- Veeder, Van Vechten, 1903, The History and Theory of the Law of Defamation, Columbia Law Review Association, vol.3, N0.8. pp 546-573.

<https://www.west-midlands.police.uk/your-options/cyber-abuse>

- <https://www.lawteacher.net/acts/defamation-act>

UNCORRECTED PROOF